الگوهای تربیت عبادی زنان

پدید آورنده : هادی حسین خانی ، صفحه 10

عبادت و ویژگی های آن

خداوند سبحان در قرآن کریم، هدف نهایی از خلقت انسان را عبادت پروردگار معرفی نموده است1 و ارزش انسان را در دعا و عبودیت او می داند.2

حقیقت عبادت آن است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت بداند و رو به سوی مقام رب خود آورد. بنابراین، اعمال عبادی که با اعضا و جوارح عبد انجام می گیرد، مانند قیام، رکوع و سجود، همه برای مطلوبی بالاتر است و آن این که بندگی و ذلتِ بنده را در برابر رب العالمین نشان دهد و فقر و مملوکیت محض او را در برابر عزت مطلق و غنای محض پروردگار، مجسم سازد.3

همین اظهار عجز و ذلت است که لباس فخر و کرامت بر قامت انسان می پوشاند و او را تا مقام خلیفة اللهی بالا می برد. بررسی سرگذشت زنان نمونه در قرآن، ما را به این حقیقت آگاه می کند که سرّ عنایت و توجه خداوند به آنان، جز آن نبود که سر تعظیم بر آستان بی نیاز، فرود آوردند.

اطاعت و خضوع کامل مریم(علیهاالسلام) در برابر پروردگار و ابراز فقر محض در برابر کمال مطلق، او را به آن جا رساند که الگو و نمونه ای برای تمامی انسان های با ایمان شد.

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذین آمَنُوا... وَ مَریَمَ ابْنَتَ عِمرانَ... وَ کانَت مِن القانِتینَ4

در این آیه کریمه، مریم (علیهاالسلام) از «قانتین» دانسته شده و قانت کسی است که در برابر ربِ جلیل، مطیع، متواضع و ذلیل باشد.5

زکریای پیامبر با مشاهده عبودیت خالصانه مریم (علیهاالسلام)6، با وجود پیری خود و نازا بودن همسرش، از خدا درخواست ذریه طیبه نمود7 و خداوند دعای او را اجابت فرمود و در مقام تعلیل استجابت دعا فرمود:

فَاسْتَجَبنا لَه وَ وَهَبنا لَهُ یَحیی وَ أَصلَحنا لَه زَوجَهُ إنَّهُم کانُوا یُسارِعُونَ فِی الخَیراتِ وَ یَدعُونَنا رَغَباً وَ رَهَباً و کانُوا لَنا خاشِعینَ.8

و دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می کردند و با بیم و امید، ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند.

از عواملی که باعث شد او و همسرش به آرزوی خود رسیده و صاحب فرزند صالحی چون یحیی (علیه السلام) شوند، خشوع و فروتنی کامل آنان در برابر ذات غنی مطلق بود.9

با این وصف، عبادتی که مورد توجه حق تعالی قرار گرفته و هدف آفرینش انسان دانسته شده، از خصوصیاتی برخوردار است که در زیر به آن ها اشاره می شود.

خلوص در عبادت

همچنان که اشاره شد، حقیقت عبادت آن است که عبد، از غیر خدا گسسته و به او پیوسته باشد؛ بنابراین در انجام اعمال عبادی جز فقر خود و غنای حق، چیز دیگری را در نظر نمی گیرد و نه تنها در عبادت، جلب توجه دیگران مورد نظر او نیست و از آن پرهیز می کند، بلکه حتی خود را نیز به فراموشی می سپارد و تنها به او می اندیشد. پس اگر عبادتی، فاقد ویژگی اخلاص شد و در آن توجه به غیر خدا مطرح شد، از حب الهی تهی می گردد و جز صورت عبادت، از آن، چیزی باقی نمی ماند.

از ویژگی های بارز مریم(علیهاالسلام) اخلاص او در عمل و بی توجهی محض او نسبت به ماسوی الله بود. خدای سبحان، عبادت ناب وی را آن چنان مورد توجه و عنایت خود قرار داده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را به آن تذکر داده، می فرماید:

وَ اذْکُر فِی الکِتابِ مَریَمَ إذِ انْتَبَذَت مِن أَهلِها مَکاناً شَرقِیّاً10

و در کتاب از مریم یاد کن، آن گاه که از خاندان خویش، در گوشه ای شرقی کناره گرفت.

در این آیه، کلمه «انتبذت» از ماده «نبذ» و به معنی دور انداختن شیئی است که چندان جلب نظر نمی کند.11 و این تعبیر در آیه، شاید اشاره به آن باشد که مریم (علیهاالسلام)، متواضعانه و گمنام و بی هیچ جلب توجهی، از جمع کناره گیری کرد و آن مکان از خانه خدا را برای عبادت انتخاب نمود.12

نکته تربیتی مهمی که از این جا به دست می آید، آن است که انسان، زمانی قادر به ایجاد دگرگونی های عمیق و اساسی در جامعه خواهد بود که ابتدا با ایجاد آرامش درونی و رهایی از درگیری های قلبی، مقدمات عنایت الهی را فراهم نماید و آن گاه که از دلی آرام و ضمیری پاک برخوردار گردید، با بازگشت به اجتماع، به ایجاد اصلاحات اساسی اقدام نماید.

البته آشکار است که این نوع از فراغت قلبی، با آن نوع از انزوا که مورد نهی بزرگان دین واقع شده، بسیار متفاوت است؛ زیرا در انزوای مذموم، نفس گوشه گیری و بریدن از اجتماع به صورت هدف جلوه می کند و فرد منزوی، هیچ تمایلی به ارتباطات اجتماعی و حتی عمل به وظایف اجتماعیِ دینی از خود نشان نمی دهد؛ در حالی که سالک الی الله، خود را ملزم به تصفیه درونی می داند واز «انتباذ» به عنوان عاملی مؤثر در رسیدن به هدف، که عمل صحیح به وظایف فردی و اجتماعی و در نهایت، قرب الی الله است، استفاده می کند.

جدّیت در عبادت

کسی که خود را عبد خدا و فقیر محض، و خداوند را برطرف کننده همه نیازهای خود بداند، در مسیر عبادت و بندگی حق، هیچ گونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی کند، زیرا او در آفرینش، هدفی جز عبادت نمی شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد. نقل شده است که مریم (علیهاالسلام) آن چنان غرق عبادت و بندگی خدا بود که به گفته ابن عباس، هنگامی که نه ساله شد، روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت می پرداخت و آن چنان در پرهیزگاری و معرفت پروردگار پیش رفت که از احبار و دانشمندان پارسای آن زمان نیز پیشی گرفت13 یا از مفسرین نقل شده است که وقتی فرشتگان، فرمان «یا مَریَمُ اقْنُتی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکِعِی مَعَ الرّاکِعینَ؛14 ای مریم! از پروردگارت اطاعت کن و سجده کن و با نمازگزاران نماز بخوان» را به مریم رساندند، آن قدر به نماز ایستاد تا پاهای او ورم کرد و خون و چرک از پایش جاری شد.15 و یا در ماجرای نذر امیرالمؤمنین و حضرت زهرا(علیهاالسلام) برای بهبودی حسنین (علیهماالسلام) شنیده ایم که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، زهرای اطهر (علیهاالسلام) را پس از سه روز روزه پیاپی و بدون افطار، در محراب عبادت یافت، در حالی که چشمانش گود افتاده و شکمش از گرسنگی به دنده های پشتش چسبیده بود؛16 و همه این موارد حاکی از معرفت و عشق سرشار آنان به کمال مطلق است، نه صرفاً یک عمل صوریِ خشک و بی محتوا.

دوام در عبادت

برخی چنین می پندارند که عبادت، تنها، وسیله ای برای رسیدن به بعضی از مقامات روحانی و معنوی است و تا جایی کاربرد دارد که نیل به آن مقامات حاصل نشده و پس از رسیدن، دیگر نیازی به بندگی و پرستش نیست و اصولاً در این مرحله، تکلیف از انسان ساقط می گردد؛ اما بر خلاف تصور آنان، قرآن کریم عبادت را هدف آفرینش انسان دانسته17 و برای انسان ارزش و هویتی جدا از دعا و عبادتش قائل نیست؛18 زیرا انسان آن گاه می تواند باقی به بقای حق گردد که به فقر و نیاز ذاتی خود به کمال مطلق و نامحدود آگاه شود، همواره به آن اذعان نماید و از راه اظهار فقر و ناچیزی خود، با اتصال به ذات حق، کسب هویت نماید. پس اگر در مرحله ای از مراحل سیر و سلوک، عبد از بندگی و ذلت خود غافل شود و سر نیاز بر قدم بی نیاز نساید، بی تردید از هدف خلقت دور می ماند و به سر منزل مقصود، ره نخواهد برد.

در این جا اگر کسی ادعا نماید که چون بندگی، اظهار عجز، و اعتراف به ذلّت و مسکنت در برابر خداست؛ پس امری درونی و باطنی است و تلازمی با عبادات صوری و ظاهری ندارد، در جواب گفته می شود که گرچه بر اساس تعریف قبلی،19 حقیقت عبادت آن است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت بداند و رو به سوی رب خود آورد، ولی این معنا همان طور که عجز و مسکنت باطنی را شامل می شود، ابراز بندگی به شکل ظاهری را نیز در بر می گیرد. و حتی اگر بندگی را تنها با دل شکستگی باطنی مترادف بدانیم، به طور حتم در جایی که این مذلت، افزون بر باطن، به ظاهر نیز تسری یابد، درجه عبودیت، بالاتر خواهد رفت. ضمن این که در سیره هیچ یک از بزرگان دین دیده نمی شود که پس از رسیدن به مقامات عالی روحانی، از وظایف ظاهری خود دست بردارند و تنها با اعتقادات قلبی، انکسار خود را در پیشگاه حق ابراز نمایند.

حضرت مریم (علیهاالسلام) پس از آن که به مقام منیع اصطفاء و تطهیر از سوی خدا نایل شد،20 مأمور به قنوت، سجود و رکوع پروردگار گردید.21 و «قنوت»، گر چه در اصل به معنی طاعت است، ولی به هر گونه استقامت و پایداری در راه دین نیز گفته شده و حتی طولانی نمودن نماز را نیز قنوت خوانده اند.

و خداوند متعال در آن هنگام که مریم (علیهاالسلام) را الگوی همه مردم معرفی نمود، قنوت و اطاعت دایمی او از فرمان های الهی را به عنوان یکی از ملاک های این انتخاب مهم برشمرد:

وَ ضَرَبَ اللّه مَثلاً لِلَّذین آمَنوا... وَ مَریَمَ ابنت عمران الَّتی... وَ کانَت مِنَ القانِتینَ.22

عبادت جمعی

از آن جا که عبادت، هر گاه به صورت جمعی برگزار شود آثار و برکات آن چند برابر می گردد، خداوند سبحان با فرمان به مریم (علیهاالسلام)، او را به انجام عبادت به همراه عبادت کنندگان دعوت نمود. و با این دعوت، مطلوبیت شرکت زنان مؤمن در نیایش های گروهی، همچون نماز جماعت را تأیید نمود؛

«یا مَریَمُ اقْنُتی لِرَبِّکِ وَ اسجُدِی وَ ارکَعِی مَعَ الرّاکِعینَ؛23 ای مریم فرمانبردار خدا باش و همراه با رکوع کنندگان، سجده و رکوع کن».

نکته شایان توجه در این ندا، آن است که خداوند فرمود: «و ارکعی مع الراکعین» و به کاربردن واژه «راکعین»، و نه «راکعات» چه بسا می تواند اشاره به آن باشد که زنان با رعایت قانون و احکام و شئون اخلاقی و دینی می توانند در عبادات جمعی که مردان نیز در آن حضور دارند مشارکت نمایند.

پی نوشت ها:

1ـ وَ ما خَلَقتُ الجِنَّ و الإنسَ إلاّ لِیَعبُدُون، ذاریات / 56.

2ـ قُل ما یَعبَؤُا بِکُم رَبّی لَو لا دُعاؤُکُم. فرقان/ 77. در این آیه عبادت را به دعا مبدل کرده است (تفسیر المیزان، ج 18، ص 582).

3ـ تفسیر المیزان، ج 18، ص 582.

4ـ تحریم / 11 و 12.

5ـ المنجد، ص 656.

6ـ مریم/ 16.

7ـ هُنا لِکَ دَعَا زَکَریّا رَبَّه قَالَ رَبِّ هَب لِی مِن لَدُنکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً. آل عمران/ 38.

8ـ انبیاء/ 90.

9ـ ما بر ایشان انعام کردیم چون که... و دل هایشان در برابر ما خضوع داشت. تفسیر المیزان، ج 4، ص 446.

10ـ مریم/ 16.

11ـ المنجد، ص 785.

12ـ تفسیر نمونه، ج 13، ص 33.

13ـ تفسیر مجمع البیان، ج 2، ص 436.

14ـ آل عمران/ 43.

15ـ تفسیر کبیر، ج 8 ، ص 40.

16ـ تفسیر المیزان، ج 20، ص 213.

17ـ ذاریات / 56.

18ـ فرقان/ 77.

19ـ المیزان، ج 18، ص 582.

20ـ وَ إذ قالَتِ المَلائِکَةُ یا مَریَمَ إنَّ اللّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفاکِ عَلی نِساءِ العَالَمینَ، آل عمران/ 42.

21ـ یا مَریَم اقنُتی لِرَبِّکَ وَ اسْجُدی وَ ارْکَعی مَعَ الرّاکِعین، آل عمران/ 43.

22ـ تحریم/ 11 و 12.

23ـ آل عمران/ 43.

سوتیتر

حقیقت عبادت آن است که عبد، از غیر خدا گسسته و به او پیوسته باشد؛ بنابراین در انجام اعمال عبادی جز فقر خود و غنای حق، چیز دیگری را در نظر نمی گیرد

زهرای اطهر (علیهاالسلام) را پس از سه روز روزه پیاپی و بدون افطار، در محراب عبادت یافت، در حالی که چشمانش گود افتاده و شکمش از گرسنگی به دنده های پشتش چسبیده بود

قرآن کریم عبادت را هدف آفرینش انسان دانسته17 و برای انسان ارزش و هویتی جدا از دعا و عبادتش قائل نیست؛18 زیرا انسان آن گاه می تواند باقی به بقای حق گردد که به فقر و نیاز ذاتی خود به کمال مطلق و نامحدود آگاه شود، همواره به آن اذعان نماید و از راه اظهار فقر و ناچیزی خود، با اتصال به ذات حق، کسب هویت نماید.